

مقدمه

۱- روش کار: اساس کار ما نیز در این نوشته، بنابر پیشنهاد آقای دکتر رضا سمیع زاده و آقای دکتر محمد حسین سرداغی، دیوان اشعار پروین با مقدمه بهار (چاپ هشتم، مرداد ۶۳) است که تمام ارجاعات به دیوان پروین از این منبع می باشد. روش کار، به صورت کتابخانه ای بوده است و علاوه بر کتاب مذکور از مجموعه مقالاتی که به مناسبت های بزرگداشت پروین جمع شده است نیز استفاده شده است. ما در این تحقیق سعی کرده ایم که افکار و اندیشه های پروین را از لا به لای دنیای تو در توی اشعار او جستجو کنیم. و به برخی از سؤالات مهمی که برای خوانندگان دیوان پیش می آید پاسخ مناسبی بدهیم. از جمله سؤالات اساسی که در دیوان پروین به ذهن خواننده خطور می کند:

۱- آیا دنیای پروین دنیایی اجتماعی بوده یا اینکه خلوتگرایانه و به دور از مردم و اجتماع است؟

۲- صدای زنانه در دیوان او چگونه بازتاب کرده است؟

۳- نگاه او به گذشته و حال و آینده مثبت است یا دیدی منفی نسبت به آنها دارد؟

۴- آیا اشعار او دست یافتنی است، یا اینکه تخیلی و انتزاعی است؟

۵- برخورد پروین با حکومت زمانه اش چگونه است. آیا به طور مستقیم، مانند هم عصرانش وارد عرصه ی مبارزه با استبداد شده، یا به طور غیر مستقیم و آرام و متین به پایه های حکومتی حمله کرده است؟ و... در این پژوهش که از یازده فصل تشکیل شده، در هر فصل اشعاری از پروین به مناسبت موضوع مورد نظر، ذکر شده است. علاوه بر آن ابیات دیگر شعرا که قرابت معنایی با شاهد مثال شعری پروین داشته است نیز استفاده شده است. تا جایی که ممکن بوده، سعی شده که از آوردن ابیات بی مورد و خارج از بحث و موضوع خودداری شود تا خواننده ی این رساله درگیر مطالب اضافی نشود. ارجاعات داخل متن نیز با عنوان «یادداشت ها» در آخر هر فصل ذکر شده است تا در صورت نیاز به آخر فصل مراجعه شود و متن اصلی خالی از ازدحام و شلوغی باشد

۲- پیشینه ی تحقیق: در مورد پیشینه ی نقد دیوان پروین، باید گفت که پروین جزء شاعرانی بود که اشعارش در زمان حیاتش چاپ شد و شاعر در بین عامه ی مردم و فرهیختگان جامعه به عنوان شاعر بزرگ شناخته و معرفی شد. از همان ابتدای چاپ اشعار پروین در مجله -ی «بهار» نقادان عرصه ی ادبیات و شعر، شروع به شرح اشعار او نمودند.

مهم ترین و مفصل ترین نقدها همان مقدمه ی ملک الشعرای بهار بود که در اولین چاپ دیوان پروین، نوشته شده است. بعد از آن هم بزرگانی چون علامه قزوینی، یوسف اعتصامی و سعید نفیسی و... شروع به نقد و تحسین دیوان نمودند. بعد از در گذشت شاعر نیز ادیبان و استادان، مقاله هایی به مناسبت های بزرگداشت ها و کنگره های پروین ارائه داده اند که تا امروز نیز ارائه این مقالات ادامه دارد. از مهمترین مقالات نوشته شده درباره ی پروین و دیوانش به مقاله ی دکتر عبدالحسین زرین کوب با عنوان «پروین زنی مردانه در قلمرو شعر و عرفان» و مقاله ی دکتر غلامحسین یوسفی با عنوان «شوق رهایی» است. ولی کتابی که در مورد شرح و احوال پروین و شعرش باشد بسیار اندک و انگشت شمار است.

هرچند که سال های بسیاری است که در نکو داشت ها، کنگره ها، سمینارها، همایش ها، مقالات و حتی پایان نامه و نقدهایی برای شناخت شخصیت پروین، جایگاه شاعری او و رسالت شاعری او، بحث شده است ولی باز هم زوایای ناشناخته ای از پروین و دیوانش در سایه مانده است. و هم اکنون نیز باید این گفته را باور داشت: «انصاف آن است که هنوز قدر بلند این شاعر بزرگ و کم نظیر در ایران، چنان که باید، شناخته نشده است. بدیهی است بهترین راه شناخت او خواندن آثار وی، دریافت مفاهیم آنها و تأمل در مظاهر اندیشه و هنر اصیل پروین است؛ کاری که کمتر بدان پرداخته شده است»^۱.

۳- درباره ی پروین

بدون شک پروین اعتصامی یکی از بزرگترین شاعران زن ایران است که در شعر معاصر و ادبیات کلاسیک همتایی ندارد. او از «بدیع ترین و دلاویزترین شکوفه های ادب فارسی و یکی از منادیان محبت و مردمی و تقوی در عصر حاضر است»^۲.

زنان ایرانی باید به خود ببالند که از جنس آنها فردی به بلند مرتبگی پروین رسیده است که در شعر و ادبیات با بزرگانی چون ناصر خسرو، مولوی، فردوسی و... سر برابری دارد. او را باید از خانواده ای دانست که اعضای آن شاعرانی چون فردوسی، ناصر خسرو، نظامی و سعدی و... است و به گفته ی دکتر شفیع - کدکنی «خانواده ای که پدر آن فردوسی و فرزندان رشیدش عبارتند از، ناصر خسرو، نظامی و سعدی و ابن یمین و بهار و دختر جوانشان پروین اعتصامی»^۳ است.

پروین از سنین کودکی شروع به سرودن کرد. از اولین شعرهایی که با تشویق پدر بزرگوارش و از ترجمه های او از اشعار خارجی می سرود، باعث تعجب هر خواننده ای شد و بزرگانی چون ملک الشعرای بهار و علامه دهخدا او را در زمینه های مختلف شعر می آزمودند تا اینکه تردید آنها در شاعر بودن پروین رفع

شد. همین استعداد بالای پروین بود که عامل شد بسیاری از مردمان آن روزگار، نپذیرند که این اشعار از آن یک دختر کودک یا نوجوان باشد و سعی کردند که شعرهای او را به پدرش و برادرش و بهار و دهخدا و یا صوفی گم نامی نسبت دهند و بگویند که این اشعار نمی تواند از یک زن باشد، برای همین اتهامات بود که پروین زیر کانه این شعر را سرود:

از غبار فکر باطل، پاک باید داشت دل تا بداند دیو، کاین آئینه جای گرد نیست

مرد پندارند پروین را، چه برخی ز اهل فضل این معماً گفته نیکوتر، که پروین مرد نیست^۴

از آثار پروین، بغیر از دیوان اشعارش، یک خطابه به مناسبت فارغ التحصیلی از مدرسه ی دخترانه ی آمریکایی تهران و چند نامه ی دوستانه بجا مانده است.

از زمانی که شعرهای پروین در مجله ی بهار چاپ می شد و هنگامی که در سال ۱۳۱۴ شعرهای او به

صورت دیوان چاپ و عرضه شد، باعث تعجب همگان شد و هر یک از بزرگان ادب به نوعی زبان به تحسین اختر چرخ ادب گشودند و از زیبایی اشعار او انگشت به دهان ماندند.

ضیاءالدین هشرودی در سال ۱۳۰۳، مجموعه ای از نظم و نثر معاصر فارسی را با ملاحظات انتقادی به نام «منتخبات آثار» منتشر کرده بود که در آن به مناسبت نقل و نقد شعر پروین، از وی تحسین بسیار کرده بود. شاید بتوان گفت که او جزء اولین نقّادان اشعار پروین است. «پروین اعتصامی به تمام معنا یک شاعری سخنور بوده و از طراز اول شعرای معاصر است»^۵.

بعد از اولین چاپ دیوان پروین در سال ۱۳۱۴، ملک الشعرا بهار، مقدمه ای مفصل بر دیوان پروین نوشت که بازگو کننده ی بسیاری از مختصات شعری پروین بود. بهار در مقدمه دیوان می گوید: «ملاحظه ی چند صفحه از این دیوان و مشاهده ی سبک متین و شیوه ی استوار و شیوایی بیان و لطافت معانی آن، چنانم بفریفت که تنها این کتاب را پیش روی نهاده و هر مشغله که بود پس پشت افکندم و تمام آن را خوانده، لذتی موفور بردم»^۶ و چند صفحه بعد این گونه تعجب خود را ابزار می کند «حکیمی عارف و عارفی حکیم و ناصحی پاک سرشت جا به جای در خود نمایی و جلوه گری است، و عجب آنکه این همه ساز و برگ و آراستگی و ترکیبات مختلف را چنان در یک کالبد جای داده و قبلاً در ضمیر مرکب ساخته است که گویی این اشعار همه در یک ساعت گفته شده است»^۷.

علّامه محمد قزوینی تعجب خود از خواندن دیوان پروین این گونه بیان می کند «و هر چه پیشتر می رفتم و بیشتر می خواندم، استعجاب من به تعجب مبدل می شد که چگونه امروزه در این قحط الرجال فضل ادب، یک چنین «ملکه النساء الشواعر» در مرکز ایران ظهور کرده و به سرودن چنین اشعاری در درجه ی

اول از فصاحت و سلامت و متانت که لفظاً و معنی و مضموناً و فکراً با بهترین قصاید اساتید و مخصوصاً ناصر خسرو دم برابری می زند موفق گشته است!^۷

و در پایان نامه می گوید: «به راستی جای بسی تحسین و تمجید است که خانم جوانی از خانم های ایران با اوضاع و کیفیات حاضره، به ساختن اشعاری بدین پایه از استحکام صحت آن نحواً و صرفاً و لغه و املاء و فصاحت عدیم النظیر و خلوه آن از جمیع عیوب فنی، موفق شده است»^۹.

پروین این بخت را داشت که در زمان حیاتش به عنوان شاعری بزرگ شناخته شود. علامه دهخدا در کتاب «امثال و حکم» که شاید بین سال های ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۱ چاپ شده است، بعضی از اشعار پروین را در آنجا به عنوان امثال و حکم آورده است و این در حالی بود که از شاعران معاصر فقط اسم شاعرانی چون ملک الشعرای بهار، یحیی دولت آبادی و رشید یاسمی در آن ذکر شده بود.

دکتر غلامحسین یوسفی در باره ی شعر پروین می گوید: «شعر پروین از لحاظ فکر و معنی بسیار پخته و متین است. گویی اندیشه گری توانا حاصل تأمل و تفکرات خود را درباره ی انسان و جنبه های گوناگون زندگی و نکات اخلاقی و اجتماعی به قلم آورده است. بی گمان او در این باب از سر چشمه های افکار پیشینیان نیز بهره مند شده، اما نه آنکه سخنش رنگ تقلید و تکرار پذیرفته باشد بلکه در اندیشه و طرز بیان از اصالت برخوردار است»^{۱۰}.

از دلایلی که پروین به سبک کلاسیک روی آورده این است که افرادی که به محافل ادبی یوسف اعتصام الملک رفت و آمدی کردند یا با مجله ی «بهار» در ارتباط بودند، در ادبیات کلاسیک و سنتی مهارت و تخصص داشتند و پروین به همه ی آنها به چشم استاد نگاه می کرد و از آنها درس می گرفت. شاعرانی چون ملک الشعرای بهار که در آثار فرخی و انوری و معزی آشنایی خاصی داشت؛ سید نصرالله تقوی جامع و مصحح دیوان ناصر خسرو بود؛ دهخدا که با مثنوی مولانا و حدیقه سنایی انس داشت؛ پدر پروین نیز در زبان شعری سعدی و فردوسی و نظامی تبحر داشت. از دیگر افراد عباس اقبال بود که با مجله ی «بهار» همکاری داشت و با شیوه ی قدما آشنا بود.

یادداشت‌ها

- ۱- یوسفی عبدالحسین. چشمه ی روشن، ص ۴۲۴
- ۲- آراین پور، یحیی. از نیما تا روزگار ما، ص ۵۳۹
- ۳- شفیعی کدکنی، محمد رضا. مقاله ی «معجزه ی پروین»، معجزه ی پروین، صص ۴۵ و ۴۶
- ۴- پروین اعتصامی. دیوان، ص ۲۶۸
- ۵- هشترودی، ضیاءالدین. «پروین شاعره ی سخندان». معجزه پروین، ص ۷۶
- ۶- بهار، ملک الشعرا. مقدمه ی دیوان پروین، ص ح
- ۷- همان، ص ی
- ۸- علامه قزوینی، محمد. «ابتکار مضامین بدیع»، معجزه، ص ۷۸
- ۹- همان، ص ۸۰
- ۱۰- یوسفی، عبدالحسین. چشمه ی روشن، ص ۴۱۴

فصل اول

زندگی نامه

۱- تولد

پروین اعتصامی در ۲۵ اسفند ۱۲۸۵ ش، هفت ماه و دو روز پس از اعلان زمان مشروطیت ایران (۲۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ ق، مرداد ۱۲۸۵ ش / ۱۵ اوت ۱۹۰۶ م) در تبریز چشم به جهان گشود^(۱).

۲- خانواده ی پروین

پدر پروین^(۲) به علوم مختلف مانند: ادب عرب، فقه، اصول، منطق، کلام و حکمت قدیم آشنا بود. و در خط های چهارگانه استاد بود. وی شرحی بر مقاله های علامه محمودبن عمرالمحشری (۵۳۸-۴۶۷ق)- که در زمینه ی نصیحت، حکمت، موعظه و مکارم اخلاقی است- دارد.

میرزا یوسف خان آشتیانی اعتصام (بعدها اعتصام الملک) چندسال پیش از اعلان فرمان مشروطیت در (ربیع الثانی ۳۱۸ ق) کتاب تحریرالمراه (آزادی زنان)، تألیف قاسم ابن امین مصری را درموضوع حقوق آزادی زنان به پارسی ترجمه کرد و به نام «تربیت نسوان» در تبریز چاپ کرد که در گرماگرم تعصب عام به ویژه در تبریز آن روزگار نمونه ی یکی از شجاعت های ادبی است و به شهادت تاریخ یوسف اعتصامی، نخستین کسی است که لوای آزادی را برافراشته و بذر این نهال بارور را کاشته است.

پدر پروین در جوانی ماه نامه ی علمی، ادبی، فلسفی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی «بهار» را دوسال و هر سال ۱۲ شماره منتشر کرد. اکثرمقاله هایی که در بهار چاپ شده ترجمه ی آثاری از شاعران ونویسندگان غربی و ترک و عرب است. حاصل زحمات علمی یوسف اعتصامی سی اثر از نوشته، تحقیق و ترجمه است، وی در سال ۱۳۱۶، زندگی را بدرود گفت. از مرثیه دردناکی که پروین سروده به خوبی می توان عمق تأثر و ژرفای عاطفه اش، نسبت به پدرش را دریافت. مطلع مرثیه:

پدر آن تیشه که برخاک تو زد دست اجل تیشه ای بود که شد باعث ویرانی من^(۳)

مادر پروین - بانواختر- دختر میرزا عبدالحسین خان قوام الدوله، متخلص به «شوری» از شاعران دوره- ی قاجار بوده است.^(۴)

پروین دارای پنج برادر بود: ۱. ابراهیم، که در خردسالی در گذشت ۲. ابوالقاسم اعتصامی ۳. ابوالفتح اعتصامی ۴. نصرالله اعتصامی ۵. سعید اعتصامی.

بزرگترین برادر پروین - ابوالقاسم اعتصامی - در وزارت امور خارجه کار می کرد و در سال ۱۳۵۷ ش در سن ۸۱ سالگی درگذشت. نصرالله اعتصامی، مترجم زبان فرانسوی بود و چندین سال در تهران دارالترجمه داشت و در سال ۶۷ درگذشت. دکتر سعید اعتصامی داروساز بود که او نیز در سال های پیش درگذشت.

۳- تخلص شعری

نام اصلی وی «رخشنده» بوده است، اما به این سبب که در دوران کودکی خود اشعاری به غایت متین و استوار می سرود، پدر ادیبش - اعتصام الملک - تخلص «پروین» را برای وی شایسته دید^(۵).

۴- دوره ی تحصیلی پروین و

فعالیت های ادبی در کودکی

باری، پروین در چنین خانه و خاندانی چشم به جهان گشود که همه اهل علم بودند. وی در کودکی با پدرش به تهران رفت و بقیه ی عمر کوتاه خود را در این شهر گذراند. ادب فارسی و عربی را نزد پدر آموخت. از شش سالگی در محافل ادبی پدرش که با حضور دانشمندانی چون سید نصرالله تقوی، ملک الشعرا بهار و محمد هاشم میرزا افسر، علامه علی اکبر دهخدا، علامه محمد قزوینی، ادیب السلطنه - ی سمعی و سعید نفیسی و... جزء آنان بود، شرکت می کرد. «از عوامل دیگری که موجب تقویت و پرورش استعدادها ی شعری پروین شد، رفت و آمد او به محافل ادبی آن روزگار بود که پدرش با آن ها سرو کار داشت»^(۶).

استعداد شگرف شاعرانه ی پروین از همان دوران کودکی خودنمایی کرد، به طوری که در سن هشت سالگی شعری به سبک انوری سرود که مورد تشویق بزرگان ادب، واقع شد.

علاوه بر این «پدر پروین قطعات دلکش و زیبا از کتب خارجی به فارسی بر می گرداند و دختر خردسالش را به نظم آن ها تشویق می کرد. همین کار موجب شد که علاقه ی پروین به شعر و ادب فزونی گیرد و سرانجام او بجد به عرصه ی شعر و شاعری رهنمون شود»^(۷). تحصیلات متوسطه را در مدرسه ی دخترانه - ی امریکایی تهران به پایان رسانید. زبان و ادبیات انگلیسی را دقیق و عمیق یاد گرفت و دو سال در مدرسه ای که درس می خواند ادبیات فارسی و انگلیسی را تدریس کرد.

وی در خرداد ۱۳۰۳ ش از مدرسه مذکور فارغ التحصیل شد و قطعه ای به این مناسبت، با عنوان «نهال آرزو» سرود و در جشن فارغ التحصیلی خطاب به ی «زن و تاریخ» را ایراد کرد.

۵- ازدواج نا موفق

پروین ده سال بعد از تحصیل در تاریخ ۱۹ تیر ۱۳۱۳ ش با پسرعموی خود - یا پسرعموی پدرش - که رئیس شهربانی کرمانشاه بود ازدواج کرد و چهار ماه پس از عقد به کرمانشاه و خانه ی شوی رفت. اما از

آنجا که شوهرش به عوالم ذوقی و اندیشه‌ی پروین، سخت بیگانه بود، این ازدواج دیری نپایید و به جدایی انجامید.

پروین پس از دوماه و نیم اقامت در خانه‌ی شوهرش از کرمانشاه به تهران بازگشت و در یازده مرداد ۱۳۱۴ با گذشتن از کابینش برای همیشه از شوی جدا شد. این پیش آمد را با خونسردی و متانت تاب آورده و تا پایان عمر از آن ماجرا سخنی بر زبان نیاورد و شکایتی نکرد شاید همین سه بیت را درباره‌ی دوره‌ی زناشویی خود سروده باشد:

ای گل تو ز جمعیت گلزار، چه دیدی	جز سرزنش و بدسری خار، چه دیدی
ای لعل دل افروز، تو با این همه پرتو	جز مشتری سفته، به بازار چه دیدی
رفتی به چمن، لیک قفس گشت نصیبت	غیر از قفس، ای مرغ گرفتار، چه دیدی ^(۸)

از تاریخ ۱۳۱۵/۳/۲ ش، پروین به عنوان کارمند کتابخانه‌ی دانشسرای عالی استخدام شد. و تا پایان سال مذکور در این سمت باقی بود. ولی بنا به گزارش معاون دانشسرای عالی از ابتدای ۱۳۱۶ ش در محل کار خود حضور نیافت. ظاهراً علت این امر، بیماری اعتصام الملک و پرستاری پروین از پدرش می‌تواند باشد.

۶- درگذشت شاعر

پروین روز سوم فروردین ۱۳۲۰ ش، بدون هیچ سابقه‌ی کسالت، در بستر بیماری خفت و شب شنبه، شانزدهم آن ماه، نیمه شب بدرود زندگی گفت و در اوج جوانی و شهرت و محبوبیت به ابدیت پیوست. وی در آستانه‌ی مبارکه‌ی قم، در مقبره‌ی خانوادگی اش در جوار مزار پدرش به خاک سپرده شد.^(۹) قطعه‌ی ای به خط شاعر پس از درگذشت او بین اوراقش به دست آمد و بر سنگ مزارش حک گردید.

این که خاک سیهش بالین است	اختر چرخ ادب پروین است
گرچه جز تلخی از ایام ندید	هرچه خواهی سخنش شیرین است
صاحب آن همه گفتار، امروز	سائل فاتحه و یاسین است
دوستان به که زوی یاد کنند	دل بی دوست، دلی غمگین است
خاک در دیده، بسی جان فرساست	سنگ بر سینه، بسی سنگین است
بند این بستر و عبرت گیرد	هر که را چشم حقیقت بین است
هر که باشی و زهر جا برسی	آخرین منزل هستی، این است
آدمی هر چه توانگر باشد	چون بدین نقطه رسد، مسکین است
اندر آن جا که قضا حمله کند	چاره تسلیم و ادب تمکین است

زادن و گشتن و پنهان کردن
دهر را رسم و ره دیرین است
خُرم آن کس که در این محنت گاه
خاطری را، سبب تسکین است^(۱۰)

۷- اوضاع سیاسی عصر پروین

«عصری که پروین در آن زندگی می کرد، عصر تحوّل و دگرگونی بود. روشنفکران و نویسندگان در آن زمان سعی می کردند با نوشتن مقالات و سرودن اشعاری ذهن مردم را برای یک انقلاب آماده کنند و می خواستند مردم در برابر حکومت استبدادی ساکت نباشند و تن به ظلم و جور بیگانگان ندهند. درست در همان سالی که پروین به دنیا آمد، مظفرالدین شاه فرمان مشروطه را امضا کرد و بعد از انقلاب مشروطه، ما شاهد فراز و نشیب هایی در مسایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در سرزمین خود هستیم. در دوره ای که پروین می زیست، انتشار روزنامه ها با تعداد زیادی گسترش یافت. حتی تعدادی از این روزنامه ها در خارج از کشور به زبان فارسی منتشر می شد و شاعران و نویسندگان سعی می کردند با فرستادن سروده یا مقاله ای، عقیده ی خود را مطرح کنند و مردم را علیه حکومت استبدادی بشورانند. مظفرالدین شاه پنج ماه پس از صدور فرمان مشروطه درگذشت و پسرش محمد علی میرزا به پادشاهی رسید. محمد علی میرزا مخالف مشروطه و مجلس بود. بعد از اختلافاتی که بین مشروطه خواهان بوجود آمد؛ محمد علی میرزا از این فرصت استفاده کرد و مجلس را به توپ بست و دستور داد تا عده ای از آزادی خواهان را به قتل برسانند. مردم تهران و تبریز با شنیدن خبر به توپ بستن مجلس، دست به شورش زدند. محمد علی میرزا به سفارت روس پناهنده شد و پسرش احمد میرزا در سال ۱۲۸۸ ش، به سلطنت رسید. ولی حکومتش زیاد طول نکشید و در سال ۱۳۰۴ از مقام پادشاهی عزل شد. سرانجام رضاخان پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ فرمانده کلّ قوا گردید و در سال ۱۳۰۴ به پادشاهی ایران برگزیده شد.

استبداد رضاخان روزگار را بر مردم تنگ کرده بود. با این وجود جنگ جهانی اول درد سر بزرگ تری بود که گریبانگیر مردم ایران شده بود. دخالت های انگلیس و روس استقلال کشور را به خطر می انداخت. در همین دوره است که ملک الشعراء بهار به دلیل سخنان آزادی خواهانه اش تبعید می شود و میرزاده عشقی به سبب سرودن اشعار وطنی و سیاسی کشته می گردد. فقر، بی سوادی و بدتر از همه استبداد رضاخانی همانند جغدی شوم بر سر ملت ایرن سایه انداخته بود و پروین در چنین جامعه ای

زندگی می‌کرد و می‌دانست اگر دست از پا خطا کند، یا همانند بهار تبعید می‌شود و یا مثل میرزاده عشقی و فرّخی یزدی کشته خواهد شد.

با چنین اوضاعی پروین که خواه ناخواه تحت تأثیر محیط اطراف خود قرار داشت، نه می‌توانست خود را به غفلت و بی‌خبری بزند و از درد ورنج مردم جامعه‌ی خود سخن نگوید و نه می‌توانست بی‌محابا از آزادی اندیشه و افکار سخن بگوید. بنابراین تصمیم گرفت که همانند شاعران هم‌عصرش، از جور و ظلم انتقاد کند، بی‌عدالتی را محکوم کند و بر پادشاهان و ستمگران زمان بتازد؛ اما نه به شیوه‌ی شاعران و نویسندگان زمان خود، بلکه ظلم ستیزی او به شیوه‌ی تاریخی بود. او به گونه‌ای از حق مردم دفاع می‌کرد که باعث شک دیگران نمی‌شد. البته هر انسان دور اندیشی با خواندن سروده‌های پروین متوجه انتقاد او از ظلم و ستم زمانه‌اش می‌شود. سخن او مربوط به دوره‌ی خاصی نبود، برای همین کسی که پروین را نمی‌شناخت و نمی‌دانست که او در چه دوره‌ای زندگی می‌کرده است با خواندن اشعارش فکر می‌کرد که او شاعری است که در یکی از قرن‌های پنجم تا نهم زندگی می‌کرده و به شیوه‌ی سبک خراسانی یا عراقی شعر می‌سروده است»^{۱۱}.

۸- شخصیت اجتماعی پروین اعتصامی

در این بخش می‌خواهیم چهار خصوصیت اخلاقی پروین را توضیح بدهیم که در واقع شخصیت اجتماعی او را می‌سازد و دلیل شده که وی از درخشنده‌ترین شاعران ایران زمین محسوب شود و از دیوان او در همه جا به پاکی و نیکی یاد کنند.

۸-۱. عفت کلام پروین

پروین اعتصامی را تنها ستاره‌ی فروزان ادب ایران باید دانست، اوست که همانند اختر تابناک برتارک همه‌ی زنان شاعره‌ی ایران می‌درخشد و این درخشندگی جاودانه خواهد بود.

وقتی شعر قوی، پرمایه و نیرومند پروین را مطالعه می‌نماییم به خوبی به روحیه‌ی این بانوی عقیف پی می‌بریم. در سراسر اشعار زیبای پروین حتی یک کلمه خلاف عفت، اخلاق و کرامت انسانی نمی‌توان یافت.

خواننده با خواندن اشعار زیبای پروین به معلّم و مربّی دلسوزی برمی‌خورد که با پندواندرز، راه‌تاریک زندگی را با چراغ دانش و علم و ادب و معرفت به او می‌نمایاند. گویا او خانمی است که معرفت الله را از دیدگاه یک صوفی و عارف زن به ما درس می‌دهد، و این از ویژگی‌های مهم پروین و شعر پروین است.

عفت کلام پروین خسیصه ای است که از نیای والای ادبی خویش حکیم طوس به ارث برده است. گوهری که پاسداشت آن را تنها مرتبط با حُجُب و حیای زنانه نباید دانست، و نباید گفت که او چون یک زن است، از کلمات رکیک استفاده نکرده و جامعه همچون اجازه ای به او نمی داده است. چون که شاعران قبل و بعد او به راحتی آن چه را که به ذهنشان می آمد، به زبان شعر آورده اند.^{۱۲} در توضیح مطلب عفاف در کلام پروین اعتصامی، باید به دو موضوع اشاره شود، که شاعران ایران گاه گاه در معرض خرده گیری و احیاناً هتک حرمت سخن سنجان واقع می شوند. یکم؛ استفاده از حکایات قبیح و واژه های مستهجن. دوم؛ اظهار اندرزهایی که با قاطعیت احکام اخلاقی مابینت دارد. و پروین از هر دوی این موارد مبری است.

بسیاری از شاعران ما، حتی اکابر آنان نظیر مولوی و سعدی از نقل حکایات و عبارات زشت پرهیز نکرده اند ولی اگر از این ممر به ادب فارسی و خوانندگان آن زیانی می رسیده، آن زیان لااقل به عقیده ی خود شاعران چندان قابل اعتنا نبوده است که ایشان را از این شیوه منصرف سازد. نقل این گونه حکایات هزل آمیز غالباً نوعی چاشنی مباحث خشک و ملال آور است که مردم رغبت به خواندن آن ها نمی کنند و حکیمانی خردمند و دانا، چون مولوی و سعدی از این نکته ی روان شناسی، هدفی مهمتر از صرف شوخی گویی و تفریح خاطر داشته اند.

گروه دیگری از شاعران ما، هم از خیل عارفان و هم از قصیده سرایان درباری نیز در این شیوه عیبی نمی دیده اند. عیدزاکانی شاعر طنز سرای استثنایی فارسی زبان است که عالماً عامداً این روش مستهجن گویی را برای انتقاد از اوضاع سیاسی و مذهبی روزگار خویش، و دریدن پرده های مفسد و مکاره ی اخلاقی طبقات اشراف اختیار کرده است. از ایرج شیرین سخن هم باید یاد کرد که در صدی از محبوبیتش را در نتیجه ی همین سبک و استفاده از همین دست الفاظ و قصه ها-البته با هدف های اجتماعی مشخص- به دست آورده است.

ایراد دوم که معطوف به معنی و جوهر سخن است نه الفاظ آن، دارای عمق بیشتری است، زیرا آموزش های ناپسندی بر آن مترتب است که خواننده ی ناآگاه و توده های سلیم دل را گمراه می کند. منظور ما انتقاد از بعضی قصه و به ویژه اندرزهای قصارگونه ای است که در ذهن خوانندگان فارسی زبان طی نسل های متوالی جاگیر شده و اثری نامطلوب در اخلاق عمومی داشته است.

شعر پروین را شاید بتوان فاقد طیبیت و شوخ گویی و از حیث طنز و طعن ادبی ضعیف دانست و بر او خرده گرفت که قادر نیست حتی تبسمی بر لب های خوانندگان خود ظاهر کند، ولی کسی نخواهد توانست وی را به گناه هرزه گویی و بدآموزی سرزنش کند و مطالعه ی دیوانش را زیان آور بداند.

۸-۲- وارستگی و وابسته نبودن به مداحی

یکی دیگر از خصوصیات پروین این است که در دیوان او از مدح پادشاهان، وزراء، زنان و فرزندان پادشاهان، حاکمان محلی و لشکریان و ... دیده نمی شود. وی مانند ناصر خسرو است که می گفت:

من آنم که در پای خوگان نریزم مر این قیمتی دُر لفظِ دری را.^{۱۳}

پروین آن قدر بزرگواری بوده که حتی به زور هم شده مدح شاهان را نگفت. آقای کریم فیضی در کتاب «شکوه شکوفه» این مطلب را این گونه بیان می کند: «طبق اسناد معتبری که در دست است، نظامیان طراز اول وقت، همسر نظامی پروین را تحت فشار قرار داده اند، تا پروین را به هر شکلی که هست به مدح رضاخان راضی کند. این عین مطلبی است که منابع دست اول موجود، آن را گزارش نموده اند: امیرلشکر محمدحسین آیرم، رئیس وقت نظمیه به رئیس نظمیه ی کرمانشاه، شوهر پروین فشار آورده بود: "همسرت را وادار کن، تا وی هم مانند ملک الشعرا و دیگران، اشعاری در مدح اعلی حضرت بگوید!" و پروین به طور قاطع جواب منفی داده بود».^{۱۴}

۸-۳- نبود خودستایی و من شخصی در دیوان.

از دیگر امتیازهای پروین عدم خودستایی در دیوانش است. اکثر شاعران از قدیم تا امروز گاهی با دواعی و علل متفاوت شعر خود را با الفاظ و تغییراتی ستوده اند که گاهی به جا و درخور پایگاه بلندشان در سخن سرایی است و گاهی نیز به لاف مدعیان کم مقدار نزدیک تر است.

هدف شاعر از بالیدن به قریحه ی خود یا دفاع در برابر مخالفان و رقیبان حسود بوده یا تقلایی برای فرار از گمنامی و تقرب به دربار حکام و استفاده از صله های آنان.

با گسترش روح تصوف که ذاتاً با تفاخر و خودپسندی در حکم آب و آتش است، خودستایی شاعران از رونق افتاد، گرچه از میان نرفت و به عنوان سنت ادبی ادامه یافت. وحتىی عارفی صادق چون عطار نیشابوری که آثارش شرح پر سوز و گداز سیر و سلوک معنوی اوست، پایه سخن خود را برتر از عرش شمرده است:

سخن گر برتر از عرش مجید است فروتر پایه ی شعر فرید است

قیامت تیره خواهد گشت خورشید
که تادر خلد، حوران دل افروز

ولی روشن بود این شعر جاوید
به لحن عشق می خوانند هر روز^{۱۵}

در دوره ی مغول هم این امر، کم رنگ تر شد و در غزلیات معمولاً در یک یا دو مصرع نهایی به صورت یک عبارت یا تعبیری کوتاه می گنجانیدند و این شیوه سرمشق غزل سرایان قرن های بعد گشت تا نزدیک به روزگار ما ادامه یافت. در میان شاعران هم زمان پروین «ملک الشعراى بهار» و «حمیدی شیرازی» را باید دو استاد ممتاز سخن شمرد که به قدرت شاعری خود بالیده و این سنت دیرین را زنده نگه داشته اند.

شخصیت پروین اعتصامی تا حدی که در دیوانش شناخته می شود، با شهرت و جاه و تفاخر نمی سازد و طالب تجلیل و تکریم عمومی نیست و در پناه آزرمت ذاتی و شیفتگی صمیمانه به ارزش های معنوی از ستایش ها و قدرشناسی های رسمی گریزان است. آقای سعید نفیسی در این باره می گوید: «وقتی از شعر او تحسین می کردم با کمال آرامش می پذیرفت، نه وجد و نشاطی می نمود و نه چیزی می گفت. هرگز یک کلمه خودستایی از او نشنیدم و رفتاری که بخواهد اندک نمایش برتری بدهد از او ندیدم».^۵

در واقع می توان گفت این از اوصاف و علایم بزرگی پروین است که غالباً به جای «من شخصی و خصوصی»، از «من دیگر»، «من عمومی، بشری و فوق بشری سخن می گویند نه از خود. از جمله دلایل عزیز و ارجمند بودن پروین اعتصامی همین است که آزاده زن بزرگوار با آن همه شعر و سخن در دیوانش، در ابیات انگشت شمار، از خودش و دیوانش حرف زده و «من شخصی و خصوصی» او از پس شعرش، خودی می نماید و جلوه می کند.

پروین در یک شعر است که ذکرى از دیوان خود نموده و با خضوعی که سر به اظهار نیستی می زند، چکامه و سخن خود را به صفر تشبیه کرده است. تاریخ نظم این قطعه سال ۱۳۱۴ است و پروین آن را در نخستین چاپ دیوانش با عنوان «هدیه ی فکرو شعر» به پدرش تقدیم کرده و گفته است:

به باغ نظم که هر سو گل و بهاری بود	نهال طبع مرانیز برگ و بهاری بود
چکامه و سخن من، به صفر می مانست	که در برابر اعداد در شماری بود
امید هست که کار آگهانیش پذیرند	به کار گاه امل، هر چه بود کاری بود
غبار شوق من، از نور خور ندید، چه غم	همین بس است که بر عرصه اش غباری بود
من / این ودیعه، به دست زمانه می سپرم	زمانه زرگرو نقاد هوشیاری بود
سیاه کرد مس و روی را به کوره ی وقت	نگاهداشت به هر جا زر عیاری بود

نبود درخور ارباب فضل، گفته ی من درین صحیفه ناچیز یادگاری بود.^{۱۷}

در این قطعه که بنا به اراده ی پروین در زمان زندگیش چاپ شده است، نشانی از خودپسندی نیست و شعر در حقیقت به عذرخواهی شبیه است، و می گوید که شوق من به سرودن شعر، ذره ی غباری است و درخور ارباب فضل نیست.

شعر دیگری که پروین خویش را «اختر چرخ ادب» و سخن خود را با عبارت «هرچه خواهی شیرین» وصف کرده شعری است که بر روی سنگ قبر وی حک شده است. این شعر در زمان خود شاعر در دیوانش چاپ نشده است و بعد از فوت وی، برادرش آن را از لابه لای اوراق شعر پروین یافته و چاپ کرده است.

اینکه خاک سیهش با این است	اختر چرخ ادب پروین است
گرچه جز تلخی از ایام ندید	هرچه خواهی، سخنش شیرین است
صاحب آن همه گفتار، امروز	سائل فاتحه و یاسین است ^{۱۸}

دیوان پروین ۴۲ قصیده دارد که از بین ابیات این قصاید چندبیتی است که شاید بتوان آن ها هم جزء من شخصی یا خودستایی به شمار آورد.

گفتار تو همواره از تو، پروین	در صفحه ی ایام یادگار است ^{۱۹}
شعر من آئینه ی کردار توست	ناید از آئینه به جز حرف راست ^{۲۰}
گرپند تلخ می دهمت ترشرو مباش	تلخی به یاد آر که خاصیت دواست ^{۲۱}
هر نکته که دانی بگوی، پروین	تا نیروی گفتار در زبان است ^{۲۲}
شنیدی چو اندرز من، از تو خواهم	که بشنیده ی خویش را بشنوانی ^{۲۳}

در پایان این مطلب، می خواهیم این را بگوییم که پروین پیوسته و صمیمانه به مردم اندیشیده است، اگر از شب می گوید، شب بیچارگان و دردمندان است و اگر از اشک می گوید اشک یتیمان و بیوه زنان بی سرپناه است که به زبان ساده و مؤثر آن را گزارش می کند و با لطافتی خاص زبان مردم را با شعر مردم می آمیزد و آن چه را باید بگوید، می گوید.

اصولاً (من) غیر شخصی است که در اغلب اشعار او حاضر است و به نمایندگی از اجتماع سخن می گوید. پروینی که از خود بگوید، در دیوان او غایب است، گویی یتیمان، بیوه زنان، نیازمندان، حتی سنگ ها و عناصر جاندار و بی جان طبیعت همه حاضرند و از خود و دردهای خود سخن می گویند جز پروین

۸-۴-نداشتن تعصب مذهبی

یکی از امتیازات دل‌انگیزِ پروین، منش مذهبی وی است که در شعر او جلوه‌گر است و آن عدم تام و تمام غده‌ی تعصب است که هر گاه بر پیکر اندیشه و اعتقادی رشد کند، حقیقت را مسخ؛ و ریشه‌ی انسانیت را خشک؛ و ایمان را به جهل؛ و شرف و راستی را به دروغ و ریا و رذالت مبدل می‌سازد. پیام دوستی و تسامح در شعر پروین شامل همه‌ی انسان‌هاست و هیچ گروه غیرمسلمان را مستثنی نمی‌سازد. در ادبیات ما از این نوع اشعار که تعصبات دینی و مذهبی داشته باشد کم نیست و عوارض آن یعنی: تهمت و دروغ و کینه‌ورزی در پی خود داشته است. نمونه‌هایی از این عارضه‌ی عوام‌پسندانه را در گلستان می‌توان یافت، آن جا که می‌گوید:

گر آب چاه نصرانی نه پاک است
جهودِ مرده می‌شویم چه باک است^{۲۴}

یا مثل ناصر خسرو که گاه و بی‌گاه بر اهل سنت و سه خلیفه می‌تازد و توده‌ی مردم را «خر» می‌خواند.

جز آدمی نژاد ز آدم در این جهان
وینها از آدم اند چرا جملگی خرنند؟^{۲۵}
لعنت کنم بر آن بت کز فاطمه فدک را
بستدبه قهرتاشدرنجورو خواروغمگین^{۲۶}
چون گریزی از علی کو شیر دین ایزداست
گرنگشته ستی به دین اندر حمار، ای ناصبی^{۲۷}

ولی در دیوان پروین اعتصامی از این گونه نیش‌های زهرآلود حتی خفیف‌تر و پوشیده‌تر، اثری نیست. شعر او نغمه‌ی مهر و صلح‌جویی و مبلّغ حرمت و عزت انسانی، صرف نظر از رنگ چهره و منزلت اجتماعی و وابستگی‌های مذهبی است.^{۲۸}

یادداشت ها

۱. تقریباً هیچ یک از کتب تاریخ ادبیات معاصر در زندگی نامه ی پروین اعم از تاریخ تولد و فوت و... اختلاف نظر ندارند و شرح احوال او در بیشتر منابع یکسان است.
۲. یوسف اعتصامی در سال ۱۲۵۳ش، در تبریز به دنیا آمد. در کودکی نزد پدر و آموزگاران برگزیده به تحصیل پرداخت...
۳. پروین اعتصامی، دیوان، «در تعزیت پدر»، ص ۲۷۱
۴. زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی پروین اعتصامی، ص ۵۵
۵. فیضی تبریزی، کریم. شکوه شکوفه، ص ۳۶.
۶. پروین اعتصامی، دیوان، «مقطعات»، ص ۲۶۸
۷. یاحقی، محمد جعفر. جویبار لحظه ها، ص ۱۷۱
۸. همان.
۹. برگرفته از مقاله ی «شعر و زندگی پروین اعتصامی» ولی الله درودیان، معجزه پروین، ص ۲۱۹ تا ۲۲۳
۱۰. پروین اعتصامی، دیوان، «سنگ مزار»، ص ۲۷۳
۱۱. شرح زندگانی شاعران بزرگ (ج چهارم)، ص ۱۶۹ تا ۱۷۱
۱۲. برای مطالعه ی بیشتر در این موضوع به دیوان اشعار شاعرانی چون: مهستی گنجوی، فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی مراجعه شود.
۱۳. ناصر خسرو. دیوان، ص ۳۲
۱۴. فیضی تبریزی، کریم. شکوه شکوفه، ص ۱۰۴
۱۵. عطار نیشابوری، الهی نامه به تصحیح فواد روحانی، ص ۲۸۵
۱۶. نفیسی، سعید، مقاله ی «درباره ی پروین اعتصامی».
۱۷. پروین اعتصامی. مقدمه ی دیوان، اتحاف، ص کد
۱۸. همان، «سنگ مزار»، ص ۲۷۳

۱۹. همان، قصیده ی ۶، ص ۱۲
۲۰. همان، ق، ۸، ص ۱۴
۲۱. همان، ق، ۹، ص ۱۶
۲۲. همان، ق، ۱۱، ص ۲۰
۲۳. همان، ق، ۴۱، ص ۶۳
۲۴. سعدی شیرازی. کلیات، گلستان، باب سوم، حکایت بیستم، ص ۱۵۱
۲۵. ناصر خسرو. دیوان، ص ۱۲۱
۲۶. همان، ص ۳۷۳
۲۷. همان، ص ۴۶۵
۲۸. بر گرفته از مقاله ی حشمت مؤید، «جایگاه پروین در شعر فارسی»، معجزه ی پروین، ص ۱۱۱ تا ۱۵۴

فصل دوم

دیوان پروین اعتصامی

۱- قالب های شعری و کمیّت اشعار

نخستین چاپ دیوان اشعار پروین اعتصامی، محتوی قریب به ۵۰۰۰ بیت، همراه با مقدمه ای از ملک الشعراء بهار - که معتقد بود تنها شعر «سفراشک» او کافی است که او را در ردیف والاترین شاعران ایران قرار دهیم - در سال ۱۳۱۴/۱۹۳۵ انتشار یافت. چیزی از وفات او نگذشته بود که برادر او ابوالفتح اعتصامی، دومین چاپ دیوان را با پنجاه وهشت شعر اضافی در سال ۱۳۲۰/۱۹۴۱ منتشر کرد.^۱ پروین در مدت بیست سال (به طور تقریبی) دوران شاعریش، ۲۰۹ قصید، قطعه، غزل، مثنوی و پنج قطعه کوتاه دو سه بیتی و یازده تک بیت، که جمعاً ۵۶۰۶ بیت می شود سروده است.

۲- مقبولیت اشعار پروین

دیوان پروین، از همان اولین چاپ، با استقبال بسیار مواجه شد. ملک الشعراء بهار، علامه محمد قزوینی، علامه علی اکبر دهخدا و سعید نفیسی که ستون های ارزنده ی زبان شناسی و سخن سنجی زمان، بودند، بی مضایقه به ستایش او برخاستند و پروین را «خنساء عصر»^۲ و «رابعه ی دهر»^۳ و «یگانه و فرید و گوهر رخشنده ی اکیلی مفاخر عصر حاضر»^۴ خواندند.

درباره ی اقبال دیوان پروین، آقای سعید نفیسی می نویسد:

«در سال ۱۳۱۴ که مرحوم یوسف اعتصامی نخستین چاپ دیوان پروین را به من از جانب دخترش داد، هم پروین زنده بود و هم پدرش. این روزها که برادرش ابوالفتح اعتصامی نسخه ای از چاپ سوم این کتاب را برای من فرستاد، نه سال از آن تاریخ می گذرد. در این نه سال پروین در فروردین ماه ۱۳۲۰ در ۳۴ سالگی درگذشت.

... اما در همین مدت کوتاه سه چاپ از دیوان پروین انتشار یافته است و این را می رساند که ادبیات ایران هر سه سال حوصله ی یک چاپ از این کتاب را دارد. به یادآوریم که از میان سرایندهگان زمان ما و حتی بسیاری از سخن سرایان روزگاران گذشته تا کنون کسی این سرنوشت را نداشته است و این را می رساند که چگونه فارسی زبانان به شعر او اقبال کرده اند»^۵. و «دکتر حشمت مؤید درباره ی این موضوع می - نویسد "در قرن ما کمتر شاعری به اندازه ی پروین مورد مهرورزی و ستایش و تجلیل ایرانیان بوده است" و این محبوبیت را مرتبط با "شخصیت نجیب و محبوب" و به عبارتی تأسی جستن او از اخلاقیات و قواعد زمانه می داند»^۶.

۳- سبک شعری

دیوان پروین به لحاظ دوره بندی سبکی، جزء سبک سنت گراست. دوره ای که کتاب های تاریخ ادبیات آن را در بحث کهنه و نو^۷ یا کهنه پرستان و متجددین قرار داده اند. پروین جزء شاعرانی است که معتقد بود، در شعر می توان محتوای نو را در قالب های کهنه ریخت و برای همین هیچ گاه نخواست که مانند نیما، شاعر هم عصرش، شعری با قالب و وزن متفاوت از وزن و قالب شعر کلاسیک بسراید. شاعرانی چون ملک الشعرای بهار، رهی معیری، امیری فیروزکوهی، محمدحسین شهریار و... جزء این دسته از شاعران محسوب می شوند.

پروین در دوره شعری بود که عده ای هنوز هم به بازگشت و تقلید از شیوه ی قدما می اندیشیدند و می- سرودند و عده ای هم بر سر دو راهی چگونه گفتن مانده بودند. در این میان پروین سبکی را می گزیند که از طرفی از دید برخی واژگان و قالب، واجد ویژگی های سبک خراسانی و عراقی است و از طرفی از دید تصویر پردازی و حالت نمایشی و حرکت در بافت کلام و رسوخ به درون شخصیت و گرایش به زبان محاوره، نشانگر شاخصه های نوین در شعر فارسی است.

در واقع شاعران آن زمان را می توان سه قسمت کرد.

الف: شاعرانی که هیچ اعتقادی به تغییر در شعر، نه در محتوا و نه در شکل و قالب نداشتند. مانند وحید دستگردی.

ب: شاعرانی که به محتوای جدید در قالب جدید اعتقاد داشتند. مانند نیما.

ج: شاعرانی که می خواستند محتوای نو را در قالب کهنه بریزند. مانند بهار و پروین.

نظر خانم روح انگیز کراچی در مورد سبک پروین این است که وی روشی بینابین را انتخاب کرده است که تقریباً جزء شاعران دسته ی سوم که در بالا ذکر شده محسوب می شود.

«پروین در میان معاصران خود به ضرورت تلفیق تعهد هنری و نوآوری رسیده بود. او در جریان کامل بحث های سنت گرایان، محافظه کاران و تجدّدگرایان قرار داشت. او کهنه پرستان پاسدار مقررات فنون و صنایع ادبی را با همه ی استبداد ادبی می شناخت، او با محافظه کارانی که موضوع و مضمون تازه را در فرم های قدیمی بیان می کردند آشنا بود. او مدعیان تجدّد ادبی را فروتنانه می نگرست، کوشش «عشقی» و «لاهوئی» را در سرودن شیوه ی نو، «بهار» را با ادراک هنری، «عارف» در نوآوری تصنیف، «دهخدا»، «ایرج» و «نسیم شمال» را در استفاده از زبان محاوره ای را می شناخت، مناقشات ادبی روزنامه ی «زبان آزاد»، «دانشکده» و «تجدّد» را در مقطع زمانی خود صبورانه دنبال می کرد، اشعار «تقی رفعت»، «جعفر خامنه ای» و «شمس کسمایی» و آثار سمبولیک شاعر معاصرش «نیما یوشیج» را که تحول اساسی در ادب

منظوم فارسی به وجود آورد را درک می کرد و با ادراک صحیح از نوآوری صریح و نوگرایی انحرافی، نوگرایی سطحی ادب سنتی و منظوم را با تجدّد در عنصر اندیشه و عاطفه در آمیخت و نوآوری ویژه ای را به وجود آورد که در پشت قالب کلاسیک خود را پنهان ساخته بود. او در ارائه ی این نوگرایی شاعری است منحصر به فرد، مرزی است بین شاعران کلاسیک و نیما و پیروان او. شعر او پاره ای از ویژگی های ادبیات دوره ی مشروطه را از نظر تغییرات محتوایی و گرایش به ادبیات سیاسی - اجتماعی هماهنگ با پاره ای از تغییرات شکلی و بنیادی شعر دوره ی رضاخان را دارد.^۸

حال که صحبت از محتوای نو و قالب های کهنه و گرایش پروین به شعرای کلاسیک شد باید بینیم پروین چه محتوای نو و چه قالب های شعری را انتخاب کرده است.

درباره ی محتوای شعر معاصر که پروین هم از آن ها استفاده کرده است می توان به مضامین اجتماعی، سیاسی و آزادی زنان و تربیت آن ها، فقر مردم جامعه، کارگران، عدالت اجتماعی و... اشاره کرد. آقای یعقوب آژند هم معتقد است که پروین و شاعران هم سبک وی، فقط محتوای مضمون را تغییر داده اند و در آن هم از ادبیات غرب تأثیر پذیرفته اند ولی در قواعد شعری هیچ تغییری نسبت به گذشته نداده اند.

«محصولات شعری این دوره نشان می دهد که فقط در انتخاب مضامین است که نوعی جدایی از قواعد سنتی به میزان معتابهی دیده می شود. در این جا در به روی نظریه ی نوینی از ملت و وطن و مسائل اجتماعی و محفلی، روابط انسانی و طبیعت باز شد که با ته رنگ فلسفی از جانب داری رماتیسیم فرانسوی آذین بسته بود. مضامین اجتماعی بارها به کار گرفته شده که اغلب از همدردی نسبت به رنج دیده ها و مظلومان، سختی و فقر و فلاکت مملو بود که بیشتر در این وضعیّت با خشم اخلاقی و دعوت برای اصلاح و بهبود همراه بود»^۹.

وی مضامین اجتماعی و همدردی با رنج دیده ها... را در دیوان پروین پررنگتر می داند.

پروین از حیث قالب شعری، بیشتر قطعه و مثنوی و قصیده سروده است و پنج قطعه واره و پنج قطعه غزل نیز دارد. از نظر ویژگی های لفظی و معنوی و فکری و پیامی، سادگی و روانی و استواری را از سبک خراسانی و شیوایی را از سبک عراقی گرفته و احساس ها و اندیشه ها و پیام های نو رابه استادی هر چه تمام تر در آن قالب های کهن ریخته و عرضه داشته است.

قصیده های پروین، قصاید سنگین و بلند ناصر خسرو و دیگر سخن آفرینان سده ی پنجم و ششم را فرا یاد می آورد و قطعه های دلنشین او، قطعات نغز سعدی و انوری را تداعی می کنند.

ملک الشعرا ی بهار در مقدمه ی دیوان پروین، سبک وی را برگرفته از دو سبک خراسانی و عراقی می داند که این دو را با اسلوب خاصّی ترکیب کرده و روشی تازه به وجود آورده است.